

آدمی بد کار به هنگام مرگ فرشته ای را دید که نزدیک در دروازه های جهنم ایستاده بود. فرشته به او گفت: یک کار خوب در زندگی انجام داده ای و همان به تو کمک خواهد کرد. خوب فکر کن چی بوده!

مرد به یاد آورد که یک بار هنگامی که در جنگل مشغول رفتن بود عنکبوتی را سر راهش دید و برای آنکه آن را زیر پا له نکند مسیرش را تغییر داد.

فرشته لبخند زد و تار عنکبوتی از آسمان پایین آمد و با خود مرد را به بهشت برد. عده ای از جهنمی ها نیز از فرصت استفاده کرده تا از تار بالا بیایند. اما مرد آنها را به پایین هل داد مبادا که تار پاره شود. در این لحظه تار پاره شد و مرد دوباره به جهنم سقوط کرد.

فرشته گفت: افسوس! خودخواهی و تنها به فکر خود بودن، همان یک کار خوبی را که باعث نجات تو بود ضایع کرد.